

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

بررسی تطبیقی طبیعت در شعر سهراب سپهری و آدونیس

زهرا محمدی نژاد

دانشجوی ارشد ادبیات عربی دانشگاه شیراز

زهرا علی آبادی

دانشجوی ارشد ادبیات عربی دانشگاه شیراز

چکیده

سهراب سپهری و آدونیس هر دو جزء شاعران نوپرداز در عرصه ادبیات فارسی و عربی به حساب می روند و دارای جایگاه ویژه نیز می باشند. یکی از وجوه اشتراک این دو شاعر که سبب نوشتن این مقاله نیز شده است، اهتمام به طبیعت است که در اشعارشان دیده می شود. با توجه به بررسی های انجام شده این نتیجه حاصل می شود که سهراب سپهری به دلیل درون گرا بودن، حال و هوای اشعارش بیشتر عرفانی است و عناصر طبیعت را سرزنده به تصویر می کشد. اما در مقابل، آدونیس شاعری است که با ریشه یابی وقایع موجود در کشورش پا به عرصه تغییر مسائل گذاشت و هر یک از عناصر طبیعت را نمادی در جهت بیان اندیشه های خود بر می شمارد. پژوهش حاضر در تلاش است که به مقایسه طبیعت موجود در اشعار سپهری و آدونیس به شیوه توصیفی-تحلیلی و با نظر به اصول مکتب ادبیات تطبیقی فرانسه بر اساس خوانش تطبیقی بپردازد تا نقاط اختلاف و اشتراک طبیعت موجود در اشعار آنان حاصل شود.

کلمات کلیدی: طبیعت، نماد، ادبیات تطبیقی، سپهری، آدونیس

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

1. مقدمه و هدف

1_1. تعریف موضوع

در بستر طبیعت است که شعر رشد و پرورش می یابد؛ شاید به همین علت است که شعر را فرزند طبیعت خوانده اند. از دیرباز این طبیعت بوده است که علاوه بر الهام بخشی به شاعران، جایگاه ویژه ای را در سروده های آنان به خود اختصاص داد، به طوری که در اکثر دیوان های شعراء، سخن از طبیعت دیده می شود ولیکن به سبب های مختلف؛ تا جایی که شمیسا در کتاب خود اشاره می کند که: «یکی از مضامین اصلی ادب غنایی، توصیف طبیعت است که همواره کنار مضمون اصلی شعر غنایی دیده می شود؛ به نحوی که شعر غنایی را می توان شعر توصیفی خواند.» (شمیسا، 1383: 143). با توجه به ظهور مکتب های ادبی از جمله رماتتیسیم، سمبلیسم و ناتورالیسم، بهره بردن از عناصر طبیعت در اشعار شاعران معاصر فارسی و عرب، پیش از گذشته دیده می شود. از جمله شاعران پارسی گو که طبیعت در اشعار وی از جایگاه والایی برخوردار است و آن را مکانی برای بیان عواطف خود می داند، سهراب سپهری است. از میان شعراء معاصر عرب، آدونیس نیز به عنوان شاعری نوگرا از طبیعت بهره گرفته است. وی برای بیان اندیشه های خود و بازگو کردن حوادث و مشکلات جامعه و ایجاد تغییر و تحول در جامعه از طبیعت به صورت نمادین بهره برده است.

نماد پردازی یا به زبان عربی الرمزیه مکتبی است که از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در اروپا و آمریکا رواج یافت، ورود این مکتب به ادبیات فارسی و عرب سبب شد تا وسیله ای شود که شاعران با توجه به شرایط سخت سیاسی و اجتماعی محل سکونتشان از این روش برای رهایی از سختی ها و ایجاد تغییر و تحول بهره ببرند. پژوهش حاضر در سایه ادبیات تطبیقی که مسیر برخورد ادبیات ملت ها با یکدیگر و نشان دهنده تأثیر و تأثر نیز می باشد در پی این است که، عناصر طبیعت موجود در اشعار سهراب سپهری و آدونیس را مورد قیاس قرار دهد.

یکی از مشترکات بین دو شاعر سهراب سپهری و آدونیس نزدیک کردن شعر به طبیعت است تا پیوند گسترده تری با مردم ایجاد کنند. به تعبیر دیگر هر دو شاعر در پی ارتباط با مردم روزگار خود بودند. طبیعتی که سهراب سپهری در اشعارش به تصویر می کشد تا حدودی با طبیعتی که آدونیس به آن اشاره دارد متفاوت است. عناصر طبیعت در اشعار سهراب سپهری، پویا و با نشاط است. وی طبیعت را در میان شب بو ها و نیلوفر ها می جوید و از طبیعت برای بیان عواطف و احساساتش بهره برده است؛ اما در مقابل، آدونیس به عنوان شاعری درد آشنا از عناصر طبیعت در راستای بیان سختی های سیاسی و اجتماعی کشورش و ایجاد تحولی عظیم در جامعه بهره برده است. به نظر می رسد که هر دو شاعر در اشعارشان توجه ویژه ای به طبیعت

دارند اما هر کدام با دیدگاهی جداگانه و مختلف اما در عین حال اشتراکاتی نیز در این بین دیده می شود که بازگو کردنش خالی از لطف نیست.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

1_2. ضرورت، اهمیت و هدف

این جستار، نشان می‌دهد که، شاعری پارسی گو برای بیان عواطف و احساسات خود و امید دادن به فرداهایی روشن از عناصر طبیعت بهره می‌گیرد؛ در مقابل نیز بیان دارد که شاعری عرب زبان برای رهایی از مشکلات جامعه و تغییر و تحول و امید به فرداهایی بهتر نیز از همین عنصر طبیعت کمک گرفته است. این جستار در پی تطبیق دادن عناصر طبیعت موجود در اشعار سپهری و آدونیس نیز می‌باشد و تأثیر و تأثر آنان از این عنصر ماندگار و همیشه زنده یعنی طبیعت را بیان می‌کند.

1_3. پرسش های پژوهش

1) سیمای طبیعت در اشعار سهراب سپهری و آدونیس با چه جلوه های همسان و ناهمسانی نمود یافته است؟

1_4. پیشینه پژوهش

در باره سهراب سپهری و آدونیس و موضوعات مرتبط با این دو شاعر متجدد و تأثیر گذار، بحث های متعددی صورت گرفته است و مقالات زیادی در این باره به رشته تحریر درآمده است؛ ولی در اینجا به برخی از مقاله ها مرتبط با موضوع طبیعت اشاره می‌شود. در این زمینه می‌توان به مقاله های زیر اشاره کرد:

«بررسی تطبیقی طبیعت گرایی در اندیشه های سهراب سپهری و جبران خلیل جبران» اثر خانم دکتر عزت ملا ابراهیمی و همکاران، منتشر شده در دو فصلنامه ادب عربی، سال پنجم، شماره 1، سال 1391، صص 213_236. که به طبیعت گرایی سپهری و جبران خلیل جبران، از نظر عرفان پرداخته است.

«طبیعت گرایی در جهان بینی سهراب سپهری» نوشته ابوالفضل رحیمی، منتشر شده در ماهنامه آزما، شماره 6، سال 1388، صص 36_38. این نوشته به علل توجه سهراب سپهری به طبیعت و دیدگاه وی در این باره اشاره دارد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

«بررسی تطبیقی طبیعت در شعر سهراب سپهری و بدرشاگرد سیاب» اثر صلاح الدین عبدی و محمد احمدی از ندریانی، منتشره در کاوش نامه ادبیات تطبیقی، سال دوم، شماره 8، سال 1391، صص 101_119. نیز به استفاده سهراب سپهری و سیاب از طبیعت جاندار و بی جان پرداخته است و نقاط اختلاف و اشتراک بین این دو شاعر را بازگو می کند.

«دنیای متفاوت نماد های طبیعی در شعر آدونیس» نوشته امیر مرتضی و حامد صدقی، منتشر شده در مجله ادب عربی، سال هشتم، شماره 1، سال 1395، صص 263_282. این پژوهش نیز به تکنیک نماد که آدونیس در اشعار وی برای رهایی از مشکلات و ایجاد تحولات استفاده کرده، به تحریر درآورده است.

«بررسی عناصر طبیعت در شعر آدونیس» اثر طاهره میرزائی، منتشر شده در سومین همایش ملی زبان، ادبیات و بازشناسی مشاهیر و مفاخر در سال 1397. این پژوهش به طبیعت از دیدگاه آدونیس پرداخته است و در نتیجه به این نکته اشاره دارد که اغلب استعاره های شاعر از طبیعت گرفته شده است و شاعر در جهت بیان دغدغه های خود از عناصر طبیعت به صورت نمادین بهره گرفته است.

با این همه، تاکنون در عنصر طبیعت این دو شاعر، نگارشی جامع و مرتبط صورت نگرفته است. از این رو این جستار در نوع خود اثری جدید محسوب می شود.

1_5. روش پژوهش و چارچوب نظری

این پژوهش، با به کارگیری روش توصیفی_تحلیلی تلاش دارد تا با واکاوی سیمای طبیعت در اشعار سهراب سپهری و آدونیس به بررسی نگاه این دو شاعر نسبت به عناصر طبیعت بپردازد و به نقاط اختلاف و اشتراک این دو شاعر در به کارگیری عنصر طبیعت اشاره دارد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

سهراب سپهری از نام‌آوران ادب و هنر معاصر ایران است. او را «شاعر طبیعت» نیز لقب داده‌اند چرا که او در اشعارش چنان عناصر طبیعت را به تصویر میکشد که به خواننده این احساس را میدهد که در متن طبیعت است و با این احساس به آرامش می‌رسد.

سال‌های کودکی سپهری در کاشان سپری شد. پدر و مادرش هر دو اهل هنر بودند. سپهری دههٔ اول و دوم زندگی خود را با علم و هنر به سر آورد. دههٔ سوم زندگی‌اش را به تجربه‌اندوزی و سفر و دههٔ چهارم را بیشتر در سفرهای دراز گذراند. در این دوره بود که بارها و بارها به ژاپن، فرانسه، ایتالیا، هندوستان، آمریکا و بسیاری دیگر از کشورهای شرق و غرب سفر کرد.

زبان شعری سهراب در برخی اشعارش ساده و بی‌آلایش و در برخی دیگر آمیخته با مضامین و مفاهیم عرفانی و فلسفی و همراه با نمادهایی است.

انتشار دو شعر بلند «صدای پای آب» و «مسافر» و نیز مجموعه‌شعر «حجم سبز» از افتخارات این شاعر بلندآوازه است.

زندگی سهراب سپهری، پس از ۵۲ سال در اردیبهشت ۱۳۵۹ با بیماری سرطان به‌پایان رسید.

۱_۷. آدونیس

علی احمد سعید اسبر معروف به آدونیس شاعر، مترجم، نویسنده، منتقد ادبی و ویراستار سوری است که در سال ۱۹۳۰ در روستای القصابین در نزدیکی شهر لاذقیه در خانواده‌ای علوی به دنیا آمد. او تحصیلات متوسطه را در ۱۹۴۹ پایان برد و در ۱۹۵۴ لیسانس فلسفه را از دانشگاه دمشق دریافت کرد. وی به علت فعالیت‌های سیاسی ماه‌های بسیاری را در حبس سپری کرد و سرانجام در سال ۱۹۵۶ به بیروت رفت و در همان سال مجله شعر را بنیاد نهاد و خود سردبیری آن را به عهده گرفت، همچنین او در سال ۱۹۶۸ مجله مواقف را تأسیس کرد. آدونیس در سال ۱۹۷۳ دکترا ادبیات عرب را از دانشگاه سن ژوزف بیروت دریافت کرد و در دانشگاه‌های لبنان شروع به تدریس کرد. او بارها نامزد جایزه نوبل ادبی شده‌است و از سال ۱۹۸۶ به عنوان نویسنده آزاد در پاریس در تبعید زندگی می‌کند.

آدونیس یکی از شاعران نوپرداز و متجدد عرب است که توجه به طبیعت و عناصر آن در شعر او کارکرد نمادشناختی ویژه ای دارد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آدونیس به واسطه شناخت عمیق از فرهنگ و ادبیات عرب و همچنین آگاهی‌اش از ادبیات جهانی علی‌الخصوص ادبیات فرانسه و به مدد ذهنی فعال، پویا و نوآور در شاعری و نقد شعر جایگاهی ممتاز دارد و کمتر شاعر معاصر در جهان عرب مانند او در مباحث نظری شعر جستجو کرده و دغدغه نوگرایی داشته باشد.

2. پردازش تحلیلی موضوع

2_1. طبیعت‌گرایی سپهری و آدونیس

طبیعت یکی از سرچشمه‌های هنر از دیرباز بوده است؛ در ادبیات تمام ملل وصف طبیعت دارای جایگاه ویژه‌ای می‌باشد. و شاعران به وصف زیبایی‌های طبیعت پرداخته‌اند که این زیبایی‌ها شامل: «بهار و خزان، از دیدن آفتاب و فروافتادن پرده‌شب و جلوه‌گری ستارگان، از نقش و نگار بهار یا رنگ آمیزی خزان، توصیف‌های بدیع گسترده‌اند و به نحوی مشاعر و انفعالات روح خود را بیرون ریخته و یا از تخیلات و آرزوهای خود دم زده‌اند.» (ابراهیمی کاوری و چولانیان، 1387: 12). اینکه گفته می‌شود وصف طبیعت در آثار اکثریت شعراء در ملل مختلف آمده است از آن جهت است که، انسان ذاتا دوستدار طبیعت می‌باشد و تفکر در این زمینه به نوعی به خود اندیشیدن است. از آنجا که مکتب سمبولیسم بر افکار و ادبیات سهراب سپهری و آدونیس بوضوح در استفاده از عناصر طبیعت دیده می‌شود، می‌توان علت آن را اینگونه بیان کرد: «چرا که انس و الفت گرفتن با طبیعت و الهام از آن، از ویژگی‌های این مکتب می‌باشد و شاعر رمانتیسم از خلال نفس وجودی و احساس خویش آن را به تصویر می‌کشد.» (جحا، 1999: 34).

سپهری بیشترین شهرت خود را مرهون طبیعت‌گرا بودنش می‌باشد، «سپهری اصولاً شاعری رمانتیست است. طبیعت در آثار رمانتیست‌ها به صورت معبدی تصویر می‌شود و پیاله‌ای می‌شود برای دیدن عکس رخ یار؛ یعنی تجلی ذات خداوندی در ذره جان جهان» (حسینی، 1371: 10). می‌توان شعرهای سهراب سپهری را اینگونه شرح داد: «شعری است کاملاً تصویری و او نیز مانند هر شاعر اصیل و صاحب سبکی تحت تاثیر پیرامون خود است. اشیاء و پدیده‌ها در شعر سپهری حالتی آنیمیسیم دارند (جاندار پنداری) و دارای شخصیت، شاعر با آن‌ها یکی می‌شود و بسیاری از آن‌ها را در شعر سپهری تبدیل به نماد شده‌اند.» (دستغیب، 1385: 7). این نشان می‌دهد که سپهری به سادگی از کنار اشیاء و مفاهیم موجود در آنان نمی‌گذشته است و نگاه عرفانی نسبت به اشیاء دارد. وی دائماً در تلاش است تا بتواند با مردم ارتباط برقرار کند و درد آن‌ها را بفهمد و با آنان رفتار صمیمانه داشته باشد. «طبیعت‌گرایی سهراب بیش از هر چیزی از سادگی روح و صفای باطن او ناشی می‌شود. سپهری در طول حیات، انسان وارسته‌های بوده و صفای روستا را به تمدن شهری آمیخته با دروغ و ریا ترجیح داده است» (رحیمی راد، 1388: 35).

آدونیس نیز به عنوان یکی از شاعران سمبولیسم عرب در اشعارش به وفور از طبیعت سخن گفته است و این موضوع به این نکته اشاره دارد که آن زمان سستی و رکودی جامعه عرب را فرا گرفته بود که شعراء عرب از

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

جمله آدونیس برای ایجاد اصلاحات و زدودن حوادث آن روزگار با سلاح شعر برای ادای رسالت هنری خود و همچنین ایجاد تحولات در جامعه و مفید واقع شدن پا به عرصه ظهور گذاشت. آدونیس برای بازگو کردن امید به روز های بهتر و اصلاح جامعه از نماد های طبیعی استفاده کرده است. مقصود از نماد های طبیعت در اشعار آدونیس «ارائه یک تصویر نمادین از اشیاء طبیعی است. یعنی شاعر از عناصر طبیعی مثل درخت، سنگ، آب و ... یک نماد می سازد تا بتواند آن مفهوم ماورایی را که در ذهن دارد به خواننده، القا کند. گاهی این نماد ها در اثر یک شاعر یا نویسنده، چنان زیاد به کار می رود به طوری که جزئی از شناسه هنری وی می شود.» (مرتضی و صدقی، 1393: 267). با بررسی آثار آدونیس به این امر دست می یابیم که شاعر خود را از مردم و جامعه جدا نمی داند. وی بیشتر در اشعارش از عناصری چون آب، آتش و سنگ در جهت بیان مقصود خود بهره برده است. اغلب نماد هایی که آدونیس در اشعارش به کار گرفته است، جنبه مثبت دارد و امیدواری و پویایی را به تصویر می کشد، اما تعداد اندکی نیز در اشعار وی دیده می شود که جنبه منفی به همراه دارند؛ مانند به کاربردن جانوری چون عنکبوت.

آتیة آیامک الجرباء/ فی بُؤیوی جرادة عمیاء/ آتیة فی جلد عنکبوت (ادونیس، 1988: 363).

2_2. طبیعت جاندار و بی جان در شعر سپهری و آدونیس

این بخش که یکی از مهم ترین موضوع پژوهش است به مقایسه تطبیقی پاره ای از عناصر طبیعت در اشعار این دو شاعر طبیعت گرا می پردازد. همانطور که در عنوان این قسمت دیده می شود، از طبیعت جاندار و بی جان، نام برده است. منظور از طبیعت بی جان درخت ها، بوستان، فصل ها، باران و دیگر اغراض طبیعت است که در ادامه به برخی از آن ها در اشعار سپهری و آدونیس اشاره می شود:

1_2_2. باران

سهراب سپهری در به کارگیری باران مصادق متفاوتی را در نظر دارد؛ در اینجا به یک نمونه از اشعار وی درباره باران اشاره می شود:

زیر باران باید رفت/ فکر را، خاطره را، زیر باران باید برد/ با همه مردم شهر، زیر باران باید رفت/ دوست را زیر باران باید دید

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(سپهری، 1390: 231).

باران در اینجا نماد پاکی است، چرا که به عقیده سپهری باران سبب از بین بردن ناخالصی های مادی و معنوی انسان می شود. یکی از جلوه های زیبایی در این شعر تکرار کلمه باران است که گویی تاکید شاعر را در این موضوع به تصویر می کشد و دیگری اینکه،

شاعر در کمال زیبایی و هنر، عناصر مادی و معنوی را در کنار هم قرار می دهد تا جایی که عباراتی را ابداع کرده که برای مخاطب تازگی دارد.

و أنت أيتها المطر، أيتها المطر الذي يغسل الأنقاضَ والحرائب، أيتها المطر الذي يغسل الجيف، ترفق أيضاً و اغسل تاريخ شعبي

(ادونیس، 1988: 223).

آدونیس نیز از عنصر باران در اشعار خود بهره برده است و همانطور که مشاهده می کنید، باران را مورد خطاب قرار می دهد تا تاریخ ملتش که سراسر فساد و شکست است را بشوید. در نتیجه بررسی های حاصل شده این نکته به دست می آید که آدونیس نیز به نوعی مانند سپهری عنصر باران را نماد پاکی و مظهر حرکت و نجات بخشی می داند. لکن با این تفاوت که دیدگاه آدونیس سیاسی و اجتماعی

است و در جهت بهبود جامعه چنین بهره ای برده است اما در مقابل، سپهری در جهت بهبود زندگی شخصی و امور مادی و معنوی از این نماد استفاده کرده است.

2_2_2. آب

آب، موضوعی بسیار ساده اما پر مفهوم و پر تکرار در اشعار سهراب سپهری، تا جایی که حتی می توان گفت وی را به این نام می شناسند.

آب را گل نکنیم/ در فرودست انگار گفتی می خورد آب/ یا که در بیشه ای دور سیره ای پر می شوید/ یا در آبادی کوزه ای پر می گردد. (سپهری، 1390: 270).

«اندیشه اصلی در این شعر همان جمله نخستین است: «آب را گل نکنیم» مظهری از تفکر کسی که جهان را زیبا می خواهد؛ عاری از آلودگی ها» (ساور سفلی، 1387: 103). این امر که شاعر آرزو ها و اهداف خود را به

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

زبانی ساده و روان بیان می دارد بر کسی پوشیده نیست لکن همین امر سبب شده است که برداشت های متفاوتی از اشعار وی حاصل شود؛ یعنی در این قسمت می توان گفت نظر شاعر، احترام به طبیعت است. «در جغرافیای مثالی سپهری باید بین دو عنصر تمایز قائل شود: یکی عنصر مادی و دیگری عنصر انتزاعی. عنصر مادی آب است که خمیر شعر سپهری را می سازد و این عنصر با رنگ سبز همراه است» (حقوقی، 1371: 280).

با کمی تأمل متوجه می شویم که سهراب در اشعار خود واژه ای خاص را تکرار می کند که همین کار او سبب جلب توجه مخاطب می شود.

نماد آب در اشعار آدونیس نیز دیده می شود که مظهر حرکت و تغییر است، در قطعه «فصل الصعود إلى أبراج الموت» آدونیس دیده می شود که این گونه از عنصر آب بهره گرفته است:

أَعْرِفُ أَنْ أَجْرِبَ مِثْلَ الْمَاءِ، فِي رَهَّةِ الصَّحْرَاءِ، أَعْرِفُ بَعْدَ الْآنَ أَنْ أَعْيَرَ الْعَصُورَ

(آدونیس، 1988: 472).

در واقع هدف آدونیس از این عنصر ایجاد تغییر و تحول است. وی آب را نماد سرزندگی می داند و سعی کرده است که به مخاطب های خود بگوید زمان رخوت تمام شده است.

در این بررسی این نتیجه به دست می آید که سپهری از عنصر آب برای احترام به طبیعت و یا امور مادی و معنوی خود بهره گرفته است اما در مقابل آدونیس باز برای ایجاد تحول در جامعه و تشویق مردم جامعه اش به حرکت و عدم سکون و ناامیدی از این عنصر استفاده کرده است. وجه مشترک آنان در به کارگیری این نماد آن است که هر دو معتقدند آب نماد طراوت و صدای زندگی است و جریان حیات را به تصویر می کشد که می توان این وجه اشتراک را از نزدیک بودن فرهنگ های این دو شاعر دانست.

۳_۲_۲ شب

واژه شب از جمله واژگانی است که سپهری در آثار خود و به وفور از آن استفاده کرده است.

به عنوان مثال:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

روشنی را بچشمیم./شب یک دهکده را وزن کنیم، خواب یک آهو را./گرمی لانه لکک را ادراک کنیم./روی قانون چمن پا نگذاریم./در موستان گره ذابقه را باز کنیم؛ و دهان را بگشاییم اگر ماه در آمد؛ / و نگوییم که شب چیز بدی است؛ و نگوییم که شب تاب ندارد خبر از بینش باغ؛ / و بیاریم سبد ببریم این همه سرخ، این همه سبز.(دانشور کیان و امامی ، ۱۳۸۵ : ۲۳۲).

شاعر در این ابیات از شب به عنوان استعاره مکنیه که مظهر سکوت و آرامش است یاد میکند و شب در نگاه او همدم تنهایی هایش است .

و یکی از زیبایی آفرینی شاعر در این بیت ، قراردادن عناصر تضاد (روشنی / شب) در کنار هم است که این مورد زیبایی خاصی به شعر داده است .

ولیکن شب از نظر آدونیس در شعر « اللیل یتختر و فوق جثث العصفیر تدب طفولة النهار» (آدونیس ، ۱۹۸۸ : ۲۲۱)، نماد تیرگی و ظلم و قساوت حاکم بر دولت اعراب است .

آدونیس نیز همانند سهراب سپهری عناصر تضاد (اللیل) که نماد تیرگی و پلیدی است با (النهار) که نماد زمان حال است ، را کنار هم قرار داده است تا بر مخاطب تاثیر بیشتری بگذارد .

۴_۲_۲_۲ عصفور(گنجشک)

طبیعت جاندار یکی از عناصری است که در آثار سهراب سپهری و آدونیس جایگاه ویژه ای دارد ، که یکی از عناصر طبیعت جاندار در آثار این دو شاعر بزرگوار ، عنصر گنجشک است و گنجشک ، پرندۀ ای است با جثه کوچک که آرام و قرار ندارد و مرتب از این شاخه به آن شاخه پرواز میکند .

مانند : .../ و عبور مگس از کوچه تنهایی / خواهش روشن یک گنجشک ؛ وقتی از روی چناری به زمین می آید .../ (سپهری ، ۱۳۹۰ : ۲۲۳)

ابرها رفتند / یک هوای صاف ، یک گنجشک ، یک پرواز ... (همان : ۲۹۸)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

سهراب سپهری با آوردن این واژه ساده « خواهش روشن یک گنجشک » عبارت تامل آمیزی که همراه با استعاره مکنیه است خلق میکند و شاعر ، گنجشک را مانند یک انسان تصور کرده است که خواسته و خواهشی دارد .
به صورت کلی «خواهش گنجشک در این عبارت بسان خواهش انسان است».

گنجشک در آثار ادونیس نماد حرکت و پویایی و زندگی است .

در بیت « اللیل يتختر و فوق جث العصافير تدب طفولة النهار » شاعر در بیان آنچه که در ذهن داشته موفق عمل نموده است چرا که (اللیل) یعنی شب همانطور که قبلاً ذکر شد نماد پلیدی است و (عصفور) به معنای گنجشک که نماد حرکت و پویایی است که این ،

نمادی از مردم آگاه و انقلابی عرب است و همچنین (النهار) در معنای روز که نماد زمان حال است در کنار هم قرار داده است که این چینش بهترین تصویر را برای لحن انتقادآمیز شاعر فراهم می آورد .

و همچنین در بیت «لیکن / جاءت العصافير و انضم لفيف الاحجار للاحجار / لیکن/ أوقف الشوارع و اللیل / و نمضی فی موكب الاشجار / ...» (ادونیس ، ۱۹۸۸ : ۴۴۵) ،

در اینجا نیز آوردن عصفایر به صورت جمع میتواند تصویری از تحقق آرزوی شاعر باشد که همان حرکت و تحول در راه رسیدن به هدف واقعی است .

در این بیت نیز احجار (سنگها) از نظر ادونیس نماد استقامت و پایداری و قدرت است و این مورد نیز که به صورت جمع آورده شده است میتواند همانند عصفایر ، تصویری از تحقق آرزوی شاعر باشد .

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

نتایج

از مقایسه تطبیقی عناصر طبیعت در اشعار سپهری و آدونیس این نتایج حاصل شد:

1) هر دو شاعر نام برده شده در این پژوهش اکثریت دیوان شعریشان را موضوع طبیعت دربرگرفته است و از عناصر آن بهره گرفته اند.

2) می توان گفت هر دو شاعر تقریباً به یک اندازه از عناصر طبیعت در اشعارشان استفاده کرده اند اما دیدگاه آنان با یکدیگر تفاوت دارد.

3) سپهری از عناصر طبیعت در راستای احساسات و عواطف خود که عشق به خدا و طبیعت است بهره برده اما در مقابل آدونیس برای ایجاد تغییر و تحول جامعه و بهبود شرایط سیاسی و اجتماعی زمان خود از این عناصر کمک گرفته است.

4) رابطه آن ها با طبیعت متفاوت است. رابطه سپهری احساسی است اما آدونیس بر مبنای تفکر از طبیعت در اشعارش نام برده است.

5) شعر طبیعت سپهری، خالی از درد و رنج و فساد جامعه است و سراسر آرامش و نیکی است؛ وی سیاسی نیست و در اشعارش گرایش اجتماعی را در اشعارش به تصویر نکشیده است در حالی که آدونیس فردی سیاسی است و درد و رنج و نوای امیدواری را در لابه لای طبیعت وی دیده می شود.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

منابع

ابراهیمی کاوری ، صادق و چولانیان ، رحیمه؛ (۱۳۸۷) مقایسه موضوعی وصف طبیعت در شعر فارسی و عربی ، مطالعات ادبیات تطبیقی ، شماره ۵ ، صص ۹_۳۲.

أبوفخر، صقر؛ (۲۰۰۰) حوار مع أدونيس: الطفولة ، الشعر ، المنفى/ الحوارات ، ط ۱ ، بیروت : المؤسسة العربية للدراسات و النشر.

أدونیس، علی أحمد سعید؛ (1988) الأعمال الشعرية الكاملة، ج2، ط5، بیروت: دار العودة.

اسماعیل ، عزالدین؛ (۱۹۷۲) الشعر العربي المعاصر: قضايا و ظواهره الفنية و المعنوية ، ط ۲۰ ، بیروت : دار العودة _ دار الثقافة.

الشرع ، علی ؛ (۱۹۸۷) بنية القصيدة القصيرة في شعر أدونيس ، دمشق : اتحاد الكتاب العرب .

حجا، میثال خلیل؛ (1999) الشعر العربي الحديث من أحمد شوقي إلى محمود درويش، چاپ اول، بیروت: دار العودة.

حسینی، صالح؛ (1371) نیلوفر خاموش، تهران: نیلوفر.

حقوقی، محمد؛ (1371) شعر زمان ما، تهران: نگاه.

دانشور کیان ، علی و امامی ، سهیلا؛ (۱۳۸۵) یادداشتی بر بن مایه های تصویری صدای پای آب سهراب سپهری ، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ، شماره ۱۷۷ ، صص ۱۱۷_۱۳۱.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

دستغیب، عبدالعلی؛ (1385) باغ سبز شعر، چاپ اول، تهران: انتشارات آمیتین.

رحیمی راد، ابوالفضل؛ (1388) طبیعت گرایی در جهان بینی سهراب سپهری، ماهنامه آزما، شماره 5، صص 34-36.

سپهری، سهراب ؛ (1390) هشت کتاب، چاپ دوم، تهران: مروارید

سفلی ساور، سارا؛ (1387) خانه دوست کجاست؟، تهران: انتشارات سخن.

الشرع، علی ؛ (۱۹۸۷) بنية القصيدة القصيرة في شعر أدونيس، دمشق : اتحاد الكتاب العرب .

شمیسا، سیروس؛ (1383) انواع ادبی، چاپ دهم، تهران: انتشارات سخن.